

بحث: جمله شرطیه

۱. چنانکه از مرحوم فاضل تونی خواندیم، اداه شرط از زمره الفاظ عموم دانسته شده‌اند.^۱ مثلاً اگر گفته شود «مهما تذهب اذهب»، مراد آن است که هرگاه آمدی می‌آیم. و این کلام عام است و شامل تمام زمان‌های مفروض می‌شود. و یا اگر گفته شود: «إن تفعلوا من خیر یعلمه الله»، مراد آن است که هرچه انجام دهید را خدا می‌داند و شامل تمام آنچه انجام دهید، می‌شود.

۲. در این باره شاید بتوان گفت که این گونه عموم، خصوصیت اداه شرط نیست بلکه خصوصیت تعلیق جزا بر شرط است و در چنین مواردی اگر تخصیص در جمله شرطیه زده نشود، عرف «ترتّب جزا بر حصول شرط» را در هر صورتی ثابت می‌داند و لذا دال بر «عموم ترتّب جزا بر شرط» است. البته برخی از جملات شرطیه صرفاً عموم زمان را مطرح می‌کند (مهما) و برخی صرفاً عموم مکان را ثابت می‌کند (اذا، اینما) و برخی هر نوع عموم را ثابت می‌کند (ان).

۳. توجه شود که در جمله شرطیه، باید ۳ مطلب را از یکدیگر تفکیک کرد: اطلاق شرط، اطلاق جزا و عموم ترتّب جزا بر شرط.

به عبارت دیگر اگر می‌گوییم: «اگر زید آمد، عمرو می‌رود»، آمدن زید به نحو مطلق (یا مقید یا مهمل) قابل فرض است و رفتن عمرو هم به همین صورت می‌تواند مطلق یا مقید و یا مهمل فرض شود، ولی این نوع لحاظها در ناحیه شرط و جزا، ضرری به «عموم ترتّب» نمی‌زند. به عبارت دیگر اینکه «هرگاه شرط حاصل شد، باید جزا را مترتب شده فرض کرد» (و این یک معنای عام است که از معنای جمله شرطیه فهمیده می‌شود) لازمه صدق جمله شرطیه است و فرقی نمی‌کند متکلم شرط و جزا را به چه نحوه لحاظ کرده باشد.

البته متکلم می‌تواند اگر خواست با قرینه «عموم ترتّب» را تخصیص بزند و مثلاً بگوید «اگر زید آمد، عمرو می‌رود مگر اینکه باران باریده باشد» (توجه شود که در این عبارت، «باریدن باران»، تخصیص نسبت به عموم جمله شرطیه است و قید برای جمله شرطیه نیست)

۴. ولی

به نظر می‌رسد باید بین جملات شرطیه تفاوت گذاشت به این معنی که برخی از جملات شرطیه که در آنها ادوات شرط، به نحو عموم معنی می‌شوند (و مثلاً می‌گوییم هرگاه، هرجا، هر کس، و ...)، عام هستند ولی آن دسته از جملات شرطیه که اداه شرط در آنها به نحو مطلق معنی می‌شوند (مثلاً کسی که، وقتی

۱. ن ک: ص ۱۴-۱۸ درسنامه حاضر



که، جایی که و ... مطلق هستند. و به همین جهت باید گفت در امثال «این»، باید به اطلاق جمله شرطیه (و اداه شرط) قائل شد.

